

## متن پرسش

سلام علیکم: ۱. چرا با توجه به اینکه وجودات ذاتی آنها هستند ما طبق دستورات قرآنی باید با فقرا و در راه ماندگان و... به مهربانی رفتار کنیم؟ چرا پیامبر (ص) آب را خود نمی نوشد و به سگ تشنه می دهد مگر در صحنه وجود انسان در اولویت نیست؟ حال که معلول ذاتش معلول بودن است چرا باید به این انتخاب رسیدگی و تیمار کرد؟ ۲. شما می فرمایید نفس هر چه جلو رود به علت حرکت جوهری از تن انصراف می دهد و ضعیف می شود پس چگونه امام صادق (ع) در آن سن پیری در آن جلسه تیر اندازی به آن مهارت عمل کردند؟ آیا تن معصوم در حرکت جوهری نسبت به دیگران مستثنی است؟ ۳. حال که ما فهمیدیم در معاد همان صورت اخیر منتقل شده هستیم چرا به صور عادی رضایت ندهیم و تلاش نکنیم و قانع به یک حد کمی از بهشتی بودن نکنیم و راحت و بدون سلوک پیش نرویم؟ ۴. آیا شما در زمین خوردن ما جوانان در این ظلمات عجیب شهوت، شدید بودن سیاهی زمان ما را در نظر می گیرید یا در هر صورت زمین خوردن از نظر شما حقیر بودن و بی ارزش بودن شکست خورده را به ذهنتان تداعی می کند؟ خودمانیم ها! عجب بدون فیلترشکن و بلوتوث راحت به سوی حق سفر کردید و اصلا بویی از شهوت نچشیدید! خوش به حالتان

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در مورد انسان و کمالی که باید خودش برای خود شکل دهد و جهت مابالقولی خود را از مسیر حیوانی به مسیر فرشته منشی تبدیل کند، موضوع فرق می کند با این که بگوییم چون معلول، ذاتش معلول بودن است چرا باید نسبت به او وظیفه‌ی خاص داشت. در راستای این وظیفه است که انسان وجه انسانی خود را شکل می دهد ۲- در مسیر طبیعی آری! نفس آرام آرام از بدن منصرف می شود و لذا بدن همچنان که مشاهده می کنید روز به روز ضعیف تر می گردد ولی در مورد اولیاء الهی که به مدد نور الهی عمل می کنند نه بر اساس نسبتی که بین نفس ناطقه و بدن است، موضوع فرق می کند و این جدای از وجه سیر آنهاست که نفس آرام آرام از بدن منصرف می شود و در این مورد تفاوتی با بقیه ندارند ۳- در سیری که به سوی معاد داریم هر اندازه وجه حقانی خود را بیشتر رشد دهیم فصل اخیر ما همان وجه نهایی ما است که رشد یافته است و در زیر سایه‌ی حق با آن وجه زندگی می کنیم ۴- آری! به همین جهت بنده معتقد نیستم با جوانها که در این ظلمات یک روز زمین می خورند و مردانه و جانانه زمین گیر نمی شوند و باز شیطان را مایوس می کنند؛ باید با زبانی خاص صحبت کرد، نه آنها را مایوس کرد و نه انتظار داشت در قابی از عصمت زندگی را ادامه دهند.

هنر جوان امروز آن است که اگر در یک مرحله شیطان را امیدوار می‌کند در مراحل زیادی او را مأیوس می‌نماید. موفق باشید